

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5000519 dor 20.1001.1.20422322.1403.16.1.2.7

Designing an index of compliance of banking contracts with Islamic jurisprudence criteria Content analysis approach and best-worst decision-making method (BWM)

 **Hossein Seilsepoor** / PhD student in Finance and Banking, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University
h_seilsepoor@atu.ac.ir
Mohammad Javad Mohagheghnia / Assistant Professor, Finance and Banking Department, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University
mohagheghnia@atu.ac.ir
Shima Ahmadi / PhD in Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University
sh.ahmadi@alzahra.ac.ir
Ali Seilsepoor / Master of Accounting and Financial Engineering, Faculty of Management and Economics, Azad University Science and Research Branch
ali.seilsepoor@yahoo.com
Received: 2025/01/01 - **Accepted:** 2025/05/24

Abstract

This study was conducted with the aim of designing a systematic index to measure the compliance of banking contracts with Islamic jurisprudence criteria within the framework of Islamic banking. In the first stage, key components were identified through the content analysis method of semi-structured interviews with experts in Islamic transaction jurisprudence and banking. After achieving theoretical saturation, the data were analyzed and prioritized using the best-worst multi-criteria decision-making method (BWM). The results of the study show that “prohibition of formal transactions” is the most important indicator in ensuring the authenticity and realism of contracts; components such as “transparency of conditions”, “conformity of documents”, “disclosure of risks”, “fairness in benefits”, “observance of ethical principles” and “prevention of losses” also provide a comprehensive framework for assessing Sharia compliance as complementary dimensions. These indicators not only have theoretical potential for developing a local model of Sharia supervision, but in practice they can also serve as the basis for designing assessment checklists, developing warning systems, strengthening supervisory structures, and promoting institutional transparency in the Islamic banking system.

Keywords: Banking Contract Compliance Index, Islamic Banking, Formalization, Content analysis, best-worst method.

JEL Classification: G21, D71, D02.

طراحی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی رویکرد تحلیل محتوا و روش تصمیم‌گیری بهترین - بدترین (BWM)

حسین سیل‌سپور  دانشجوی دکتری مالی و بانکداری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدجواد محقق‌نیا/ استادیار گروه مالی و بانکداری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی
شیمیا احمدی/ دکتری حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء 
علی سیل‌سپور/ کارشناسی ارشد حسابداری و مهندسی مالی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳
h_seilsepoor@atu.ac.ir
mohagheghnia@atu.ac.ir
sh.ahmadi@alzahra.ac.ir
ali.seilsepoor@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی شاخصی نظام‌مند برای سنجش میزان انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در چارچوب بانکداری اسلامی انجام شده است. در مرحله نخست، از طریق روش تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و خبرگان فقه معاملات و بانکداری اسلامی، مؤلفه‌های کلیدی شناسایی شد. پس از دستیابی به اشیاع نظری، داده‌ها با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین - بدترین (BWM) مورد تحلیل و اولویت‌بندی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که «ممنوعیت معاملات صوری» مهم‌ترین شاخص در راستای تضمین اصالت و واقع‌گرایی قراردادهای است؛ مؤلفه‌هایی نظیر «شفافیت شرایط»، «تطابق مستندات»، «افشای ریسک‌ها»، «عدالت در منافع»، «رعایت اصول اخلاقی» و «پیشگیری از ضرر و ضرار» نیز، به‌عنوان ابعاد مکمل، چارچوبی جامع برای ارزیابی انطباق شرعی ارائه می‌دهند. این شاخص‌ها نه تنها قابلیت نظری برای توسعه الگوی بومی نظارت شرعی دارند، بلکه در عمل نیز می‌توانند مبنای طراحی چک‌لیست‌های ارزیابی، توسعه سامانه‌های هشداردهنده، تقویت ساختارهای نظارتی و ارتقای شفافیت نهادی در نظام بانکی اسلامی قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: شاخص انطباق قراردادهای بانکی، بانکداری اسلامی، صوری‌سازی، تحلیل محتوا، روش بهترین - بدترین.
طبقه‌بندی JEL: G21, D71, D02

مقدمه

بانکداری اسلامی که به عنوان بخشی نوظهور در نظام مالی جهانی شکل گرفته، به سرعت در حال رشد و گسترش است. این نظام که بر اساس اصول و ضوابط شریعت اسلامی استوار است، خدمات مالی را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که با ارزش‌های اسلامی هماهنگ باشد. باین حال، یکی از چالش‌های عمده‌ای که بانکداری اسلامی با آن روبرو است، اطمینان از انطباق کامل فعالیت‌ها و قراردادهای بانکی با ضوابط فقهی است. این مسئله که از اهمیت بالایی برخوردار است، نه تنها محتوای قراردادها را دربر می‌گیرد، بلکه به نحوه تنظیم، اجرا و نظارت بر آنها نیز گسترش می‌یابد (نوبی مقدم و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۶۷). توسعه یک شاخص جامع برای ارزیابی انطباق قراردادهای بانکی با اصول فقهی اسلامی ضرورت دارد تا به عنوان یک ابزار کارآمد در سنجش و بهبود کیفیت خدمات در این حوزه به کار رود. چنین شاخصی نه تنها برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، بلکه برای مشتریان و نهادهای نظارتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

طراحی چنین شاخصی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت و اعتبار بانکداری اسلامی ایفا کند و به مؤسسات مالی اسلامی این امکان را می‌دهد که با اطمینان بیشتری نسبت به انطباق فعالیت‌های خود با اصول اسلامی اقدام نمایند. این امر در نهایت به افزایش اعتماد عمومی و جذب بیشتر مشتریان به سیستم بانکداری اسلامی منجر خواهد شد. بررسی‌های انجام شده توسط نظریور و دیگران (۱۳۹۳)، شهنازی و پناهی (۱۳۹۵)، مطلبی هفشجانی و دیگران (۱۴۰۲) و ندروی و دیگران (۱۴۰۰) بیانگر چالش‌های عمده در انطباق عملیات بانکی با اصول شرعی در بانکداری اسلامی است. مطالعات نشان می‌دهند که افزایش شفافیت و اعتماد در تعاملات بانکی و پیشگیری از صوری شدن معاملات، نیازمند تدابیر ویژه‌ای است. این مطالعات بر اهمیت تعریف شاخص‌های کمی و ارزیابی دقیق عملکرد بانک‌ها در راستای اصول فقه اسلامی تأکید دارند. از سوی دیگر، موسویان (۱۳۸۴) و محقق داماد و مدنی بجستانی (۱۴۰۲) راهکارهایی برای رفع پیچیدگی‌های قراردادی و کاهش هزینه‌های اجرایی در بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند. این بررسی‌ها بر نیاز به افزایش هماهنگی با نیازهای اقتصادی و بانکی معاصر و همچنین توسعه شاخص انطباق با شریعت اسلامی تأکید دارند، به ویژه توجه به تجربیات بین‌المللی و استفاده از شاخص‌های نوآورانه برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها در بانکداری اسلامی اهمیت فزاینده‌ای یافته است.

توسعه بانکداری اسلامی و ارتقای کارآمدی آن نیازمند تلاش‌های مشترک دانشگاهیان، فقه‌های اسلامی و مدیران بانکی است. این تلاش‌ها باید به سمت توسعه شاخص‌های دقیق و کاربردی که هم انطباق کامل با شریعت را تضمین کنند و هم قابل فهم و اجرا برای کارکنان و مشتریان بانک‌ها باشند، هدایت شوند. این امر به تقویت نظام بانکداری اسلامی و ارائه خدمات مالی سازگار با اصول و آرمان‌های اسلامی کمک خواهد کرد.

بنابراین توسعه شاخص‌های انطباقی دقیق که هم پایبندی به اصول شرعی و هم کارایی اقتصادی را سنجش کنند، ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند به تسهیل پذیرش و توسعه بانکداری اسلامی در سطح جهانی کمک شایانی کند. نخستین گام در طراحی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در بانکداری اسلامی، نگاه

عمیق به ضوابط اسلامی و مفهوم قراردادها در آموزه‌های اسلامی و در مرحله بعد تطبیق آن با بانکداری اسلامی است. در فقه اسلامی قواعدی چون نفی ضرر، ممنوعیت غرر، اکل مال به باطل و نهی از معاملات صوری، به عنوان اصول حاکم بر معاملات مطرح هستند و نقش مهمی در شکل دهی به بانکداری اسلامی ایفا می کنند. این قواعد با هدف جلوگیری از زیان و فریب در تعاملات اقتصادی، اصالت و شفافیت در معاملات را تضمین می نمایند. در عمل، اجرای این اصول با چالش هایی به ویژه در زمینه انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط شرعی همراه است (محقق نیا و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۳۲۸). صوری شدن معاملات و نقص در درک کافی کارکنان و مشتریان بانکها از اصول فقهی، مانعی در راه تحقق اهداف بانکداری اسلامی به شمار می رود. این موضوع نیازمند تلاش های پژوهشی و آموزشی مستمر برای بهبود شیوه های عملیاتی و افزایش آگاهی و درک طرفین معامله است.

در این پژوهش، برای استخراج معانی از داده های متنی مصاحبه ها به روش تحلیل محتوا متوسل شده است. اطلاعات از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته و گروه های کانونی جمع آوری گردید. کدگذاری باز نیز بر داده ها اعمال گردید تا مقوله های کلیدی شناسایی شوند؛ سپس به منظور وزن دهی شاخص ها، روش بهترین - بدترین (BWM) به کار گرفته شد که توسط خبرگان، انتخاب دقیق و کاربردی شاخص ها صورت پذیرفت. این رویکرد ترکیبی، چارچوب منسجم و قابل اتکایی برای طراحی شاخص ارائه داد. نتایج حاصل از این پژوهش، نه تنها یک چارچوب عملی برای ارزیابی انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی ارائه می دهد، بلکه به بانکها و مؤسسات مالی اسلامی کمک می کند تا با شناسایی نقاط ضعف و قوت خود، به بهبود مستمر در این زمینه بپردازند. همچنین این شاخص می تواند به عنوان ابزاری برای نهادهای نظارتی به منظور ارزیابی و تضمین کیفیت خدمات بانکداری اسلامی به کار رود.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. ممنوعیت ضرر و ضرار

یکی از اصول اساسی در اکثر زمینه های حقوقی اسلامی، به ویژه در حوزه معاملات، قاعده نفی ضرر است. این اصل بر معاملات و مبادلات منطقی حکم فرمست؛ به این معنی که فقه اسلامی تنها آن دسته از معاملات و مبادلاتی را تأیید می کند که در بنیاد معامله، کلیت معامله، یا شرایط معامله، به زیان و ضرر نینجامد. در غیر این صورت، بر اساس قاعده نفی ضرر، معامله باطل اعلام می شود یا با اعمال محدودیت هایی، معامله به رعایت شرایط خاصی محدود می گردد. اصلی ترین منبع برای این اصل، حدیثی است که شیخ صدوق از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است: «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام» (موسویان و مبسمی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۸). حدیث «لا ضرر» به عنوان یک اصل کلیدی در فقه اسلامی مطرح است و نقش محوری در نظام حقوقی اسلام ایفا می کند. این حدیث که از سوی پیامبر اکرم ﷺ با روایات متنوعی بیان شده، اصلی است که زیان و آسیب را در هر شکلی رد می کند و بر این باور است که نباید به کسی ضرر رسانده شود یا ضرری از جانب شخصی به دیگری تحمیل گردد. این حدیث به عنوان یکی از احادیث اصلی در فقه اسلامی شناخته شده و از جانب علمای اسلامی مورد پذیرش و اعمال قرار گرفته است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹).

در عین حال، برداشت از مفهوم ضرر در این حدیث میان فقهای اسلامی متفاوت است؛ زیرا وقوع ضرر در زندگی اجتناب‌ناپذیر است و این حدیث نمی‌تواند به معنای نفی کامل ضرر باشد. تفسیر عمده فقها از این حدیث این است که به نفی حکم شرعی اشاره دارد که ضرری را به دنبال دارد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹؛ انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶؛ نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۰۰؛ خوئی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۶ و ۴۳۹)؛ بدین معنا که در مواقعی که اجرای حکمی شرعی زیان‌آور باشد، حدیث «لا ضرر» از اجرای آن حکم جلوگیری می‌کند، اما در شرایطی که نبود حکم شرعی به ضرر منجر شود، این حدیث نقشی در ایجاد حکم جدید ندارد و تنها به رفع حکم موجودی که زیان‌بخش است اشاره می‌کند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۵).

با وجود این تفاسیر، برخی فقها بر این باورند که حدیث «لا ضرر» تنها در مرحله تقنین اسلامی کاربرد دارد و ضرر ناشی از فقدان حکم شرعی مسئولیتی بر دوش شارع نمی‌گذارد؛ زیرا شارع فقط زمانی موظف به جبران است که خود او موجب ضرر به دیگران شده باشد (خوئی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲۸؛ انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۹؛ نائینی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۱۷). علی‌رغم این دیدگاه‌ها، گروهی دیگر از فقها به نقش تأییدی حدیث «لا ضرر» اشاره می‌کنند و معتقدند این حدیث می‌تواند در مواردی که عدم وجود حکم شرعی به ضرر منجر می‌شود، پایه‌ای برای ایجاد حکم جدید باشد. این دیدگاه تأکید دارد که حدیث «لا ضرر» فراتر از رفع احکام ضرر‌آور است و می‌تواند در ایجاد احکام جدید برای پیشگیری از ضرر نقش داشته باشد. به‌طور کلی، حدیث «لا ضرر» به‌عنوان یکی از مبانی اصلی فقهی، نشان‌دهنده تمرکز اسلام بر جلوگیری از زیان و آسیب به افراد است و در بسیاری از مباحث فقهی به‌عنوان یک معیار اصلی مورد استناد قرار گرفته و نقش مهمی در تشکیل احکام و نظریات فقهی داشته است.

۱-۲. ممنوعیت غرر

در حوزه معاملات فقه اسلامی، وجود غرر و نامعتبر شناختن معاملاتی که دارای عنصر غرر هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تفسیر «غرر» و مشتقات مرتبط با آن، با توجه به تفاسیر لغوی و دیدگاه‌های برخی فقها، به مفهوم ریسک یا خطر اطلاق می‌شود. این واژه از فعل «غَرَّ يُغَرِّ تَغْرِيراً» به معنای قرار دادن در موقعیت خطرناک یا به خطر انداختن می‌آید. بر اساس این تعریف، بانک‌های اسلامی به‌ویژه بانک مرکزی، ملزم به ایجاد قراردادهای ابزارهای مالی و دستورالعمل‌های عملیاتی به‌نحوی هستند که معاملات بانکی بدون هیچ‌گونه ابهام یا جهل مربوط به حقوق و مسئولیت‌های مشتریان و بانک انجام شود (بهاروندی، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

غرر که در زبان عربی به معنای خطر و فریب است، در فرهنگ‌های لغت فارسی به خطری اشاره دارد که در تعاملات می‌تواند به زیان دیگران منجر شود (معین، ۱۳۶۰، ص ۲۴۰۰). این واژه همچنین می‌تواند به خطر یا ریسک، حیل یا نیرنگ اشاره داشته باشد، چیزی که قابل اعتماد یا تضمین شده نیست (اصفهانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۰). در ادبیات فقهی، غرر به فعل فریب دادن اطلاق می‌شود. قاعده نفی غرر یا اجتناب از معاملات فریبنده یکی از اصول مهم در استنباط احکام معاملات، به‌خصوص در مورد معاملات جدید و ابزارهای مالی است. این اصل بر پایه حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ است که از معاملات غرری نهی کرده است. طبق این اصل، اگر کسی در معامله‌ای عملی انجام

دهد که منجر به فریب دیگری شود و ضرری به آن شخص وارد کند، باید خسارت‌های وارده را جبران کند (علیدوست، ۱۳۸۲، ص ۸۹). غرر در تعاملات به معنای ایجاد تعاملات نامتعادل و ناعادلانه است که نتیجه آن برای یکی از طرفین نامعلوم و زیان‌آور است. با استناد به قاعده نفی غرر، می‌توان از خطراتی که ممکن است کل معامله را تحت تأثیر قرار دهند، اجتناب کرد. این کار باعث می‌شود که تعاملات با اطمینان بیشتری انجام شوند و احتمال بروز مشکلات یا خطرات برای طرفین معامله به شدت کاهش یابد. با توجه به تعداد زیاد سپرده‌گذاران در بانک‌ها و عدم آگاهی کافی آنها از اقدامات و قراردادهای بانکی که گاهی اوقات به نفع سهام‌داران و به ضرر سپرده‌گذاران تنظیم می‌شوند، نیاز به نظارت شرعی در حوزه بانکداری اهمیت می‌یابد تا از سوءاستفاده مدیران از ناآگاهی سپرده‌گذاران جلوگیری شود.

۳-۱. ممنوعیت اکل مال به باطل

یکی از اصول مهم در مبادلات اقتصادی اسلامی، ممنوعیت استفاده نادرست از مال است که بر تمام تعاملات مالی در چارچوب اسلامی حاکم است. این قاعده برگرفته از آیه ۲۹ سورة نساء در قرآن است که به مؤمنان هشدار می‌دهد از دارایی‌های یکدیگر به‌نحو نادرست استفاده نکنند، مگر اینکه مبادله‌ای بر اساس توافق متقابل صورت گیرد. بر این اساس، بانک‌های اسلامی وظیفه دارند از انجام معاملات و اعمالی که به‌عنوان غیرمنصفانه و بی‌پایه تلقی می‌شوند، اجتناب ورزند. این شامل جلوگیری از اختصاص منابع بدون دلیل موجه کارشناسی است که می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از استفاده نادرست از مال تلقی گردد. بر اساس اصول و روایات اسلامی، دریافت وام بدون داشتن توانایی مالی کافی برای عودت آن، به‌عنوان یک عمل ناپسند شناخته می‌شود (مصباحی مقدم و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

ممنوعیت به‌دست آوردن دارایی به شیوه‌های ناعادلانه اصلی کلیدی در قوانین عقدی است که توسط آیات و روایات تأکید شده است. در این زمینه آیه ۲۹ سورة نساء به‌عنوان مرجع اصلی این اصل شناخته شده و بیان می‌کند که افراد باید از تصاحب اموال یکدیگر به طرق ناروا خودداری کنند، مگر در موارد تجارتي که با رضایت متقابل صورت گرفته است. اصطلاح «اکل مال به باطل» در این آیه به معنای تصاحب یا به‌دست آوردن دارایی است و «باطل» می‌تواند شامل باطل شرعی یا باطل عرفی و عقلایی باشد. باطل عرفی به دلیل قابل فهم‌تر بودن از نظر عرف و عقل، بر باطل شرعی ارجحیت دارد (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۹۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۵). بنابراین هرگونه تصرف یا تملک اموال دیگران که از منظر شرع، عرف یا عقل ناروا و غیرعادلانه باشد، مصداق اکل مال به باطل به‌شمار می‌آید.

قاعده «اکل مال به باطل» به‌عنوان یک اصل اساسی در استنباط احکام شرعی برای بسیاری از مسائل، به‌ویژه مسائل جدید عمل می‌کند. دامنه کاربرد این قاعده شامل مواردی مانند قراردادهای ناروا، عوض باطل، اهداف باطل یا ترکیبی از اینها می‌شود. این قاعده به‌طور کلی شامل هر موردی می‌شود که فرد حق دریافت آن را نداشته باشد (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲۷). اکل مال به باطل به‌طور گسترده به معنای به‌دست آوردن، تملک یا تصرف دارایی‌ها،

منافع و حقوقی تعریف می‌شود که فرد حقوقی برای آن ندارد که معیار عدم استحقاق بر اساس عرف تعیین می‌شود. به‌طور خلاصه، قاعده اکل مال به باطل یک اصل فراگیر در فقه اسلامی است که زمینه‌های مختلفی مانند ربا، رشوه، قمار و غرر را پوشش می‌دهد و هرگونه به‌دست آوردن ناعادلانه دارایی را ممنوع می‌سازد. این قاعده نه تنها به موارد صریح شرعی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر نوع تصاحب ناروا از دیدگاه عرفی و عقلایی نیز می‌شود که تأکید بر اهمیت عدالت و اخلاق در معاملات اقتصادی در اسلام است.

۴-۱. ممنوعیت معاملات صوری

در این بخش، توجه ویژه‌ای به یکی از چالش‌های اساسی در حوزه بانکداری اسلامی، یعنی مسئله صوری شدن معاملات معطوف می‌شود. این مشکل که ازجمله موانع عمده پیاده‌سازی بانکداری بر اساس اصول اسلامی به‌شمار می‌رود، در کنار سایر دشواری‌های کلیدی مانند ناکافی بودن دانش کارکنان بانک درباره قراردادهای اسلامی، سبب شده تا اجرای بانکداری بدون ربا با اصول و ضوابط مورد نظر فاصله گیرد. اگرچه قراردادها به ظاهر مطابق با شریعت اسلامی تدوین می‌شوند، اما در عمل شاهد ارائه فاکتورها و اسنادی است که محتوای واقعی ندارند. گستردگی این اسناد صوری و رویکرد آنها مورد انتقاد شدید اقتصاددانان و علمای فقه قرار گرفته و به‌عنوان یکی از علل تلقی ربوی بودن این قراردادها شناخته شده است. بر اساس اصول فقهی که بر این قاعده استوار است که «العقود تابعة للقصد»، هر معامله‌ای که فاقد قصد واقعی ایجاد باشد، از نظر شرعی باطل و در نتیجه ربوی تلقی می‌شود (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۷۲).

به علت تمایز بین جوهره معاملات و مستندات قراردادی، تهیه و ارائه اسناد صوری در معاملات بانکی به یک معضل و چالش عمومی تبدیل شده است. حتی زمانی که گزارش‌های بازرسی داخلی بانک‌ها، وجود برخی اسناد صوری را تأیید می‌کنند و آن را به‌عنوان یک نقص مطرح می‌کنند، پاسخ شعبه‌ها و مسئولان مرتبط این است که این عملکرد در همه‌جا رایج است و عدم پیروی از این شیوه‌های متداول منجر به از دست دادن مشتریان خواهد شد. مثال‌هایی مانند ساخت فاکتورهای صوری برای مرابحه و موارد مشابه به وفور قابل مشاهده است. در مورد عقود مرابحه، فروش قسطی و اجاره به شرط تملیک برای اعطای وام‌های بانکی، ارائه پیش‌فاکتور صورت می‌گیرد و تقلب در پیش‌فاکتور می‌تواند کلیت فرایند را زیر سؤال ببرد. مسئولان سیستم بانکی به این مسئله اذعان دارند، اما آن را نتیجه توطئه میان فروشنده و خریدار وام‌گیرنده تلقی می‌کنند (میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱). اما حقیقت این است که این پدیده ریشه در بسیاری از مسائل دیگر دارد که بانکداری اسلامی در عمل با آنها مواجه است. به‌عنوان مثال، پیچیدگی قوانین و ناآگاهی کافی کارکنان و مشتریان بانک‌ها از این قوانین به معضل صوری شدن قراردادها دامن می‌زند. پیچیدگی درک فرایندهای بانکی نه تنها هزینه‌های آموزشی و کارکنان را افزایش می‌دهد، بلکه منجر به نارضایتی مشتریان و صوری شدن معاملات می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مشتری بدون درک و نیت واقعی از معامله، قرارداد را امضا کرده و تسهیلات دریافت می‌کند که گاهی اوقات پیامدهایی بدتر از ربا به‌جا می‌گذارد (رضوانی، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

۱-۵. پیشینه پژوهش

بانکداری اسلامی با هدف ارائه خدمات مالی مطابق با اصول شریعت اسلامی، رشد و توسعه یافته است. این نظام مالی که بر پایه اجتناب از ربا، تأکید بر مشارکت و ریسک مشترک و توجه به اخلاق و عدالت اجتماعی بنا نهاده شده، به دنبال ایجاد تحولی اساسی در صنعت بانکداری است. با این حال، بانکداری اسلامی با چالش‌هایی در زمینه انطباق عملیات با ضوابط فقهی مواجه است که نیازمند بررسی‌های دقیق و تلاش‌های پژوهشی مستمر است تا راهکارهایی مؤثر برای رفع این چالش‌ها ارائه دهد. در حوزه بانکداری اسلامی، چالش‌های متعددی در رابطه با انطباق عملیات بانکی با اصول شرعی وجود دارد که این مسئله توجه پژوهشگران مختلفی را به خود جلب کرده است. نظریه‌پردازان دیگران (۱۳۹۳) با بررسی عمیق سه دهه فعالیت بانکداری بدون ربا در ایران، بر چالش‌های موجود در صورتی شدن معاملات اشاره کرده و بر اهمیت تعریف شاخص‌های کمی برای تضمین پایبندی به موازین شرعی تأکید دارند. این پژوهش با نمونه‌گیری خوشه‌ای از مشتریان بانک تجارت مشهد نشان داد که بیش از نیمی از معاملات انجام‌شده دارای جنبه صوری هستند که ضرورت بازنگری در فرایندها و قراردادهای بانکی را آشکار می‌کند.

شهنازی و پناهی (۱۳۹۵) به بررسی صورتی شدن قراردادهای بانکداری اسلامی ایران پرداخته و به ابهام موجود در تفاوت بهره و سود بانکی اشاره می‌کنند. این مسئله نشان‌دهنده عدم درک صحیح مشتریان و کارکنان بانک از مفاهیم اساسی بانکداری اسلامی است و ضرورت بازنگری در اجرای اصول بانکداری اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد تا از صورتی شدن معاملات پیشگیری شود. مطلبی هفشجانی و دیگران (۱۴۰۲) با تحلیل جنبه‌های تقنینی و اجرایی مشکلات، بر نیاز به شفافیت و اعتماد در تعاملات بانکی تأکید می‌کنند. پیچیدگی و گستردگی قوانین، به‌ویژه دشواری در فهم آنها توسط مشتریان و کارکنان بانکی، به قراردادهایی با شروط نابرابر منجر شده که به زیان مشتریان است. این پژوهش نشان می‌دهد که بهبود وضعیت موجود نیازمند اقدامات فراتر از صرف معرفی عقود اسلامی است و باید تمرکز بر افزایش شفافیت و اعتماد در تعاملات بانکی باشد. ندروی و دیگران (۱۴۰۰) به عواملی نظیر ابهامات، هزینه‌های بالای مبادله و پیچیدگی‌های قراردادی می‌پردازد که منجر به ناکارآمدی قراردادهای بانکی می‌شوند. این پژوهش بر این باور است که رویکرد بانکداری رابطه‌محور می‌تواند به کاهش مشکلات ناشی از نقص در قراردادهای کمک کند و اجرای کامل تعهدات را تسهیل بخشد. این رویکرد بر افزایش همبستگی بین بانک و مشتری تأکید دارد و به ارتقای کارآمدی عملیات بانکی کمک می‌کند.

در راستای تحول و تعمیق بانکداری اسلامی، مطالعات مختلفی به بررسی جوانب متفاوت این نظام مالی پرداخته‌اند. موسویان (۱۳۸۴) به تحلیل تغییرات اساسی در نظام بانکداری ایران می‌پردازد، با تمرکز ویژه بر روی قراردادهای مبادله‌ای که با اهداف بانک‌های تجاری و نیازهای متقاضیان تسهیلات هماهنگی بیشتری دارند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که با افزایش تمرکز بر این نوع قراردادهای بانکی می‌توان فرایندهای بانکی را ساده‌سازی نموده و آنها را با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ‌تر ساخت که در نتیجه به افزایش کارآمدی و هماهنگی با بانکداری جهانی

منجر خواهد شد. از سوی دیگر، محقق داماد و مدنی بجستانی (۱۴۰۲) به بررسی پیچیدگی‌ها و هزینه‌های اجرایی ناشی از استفاده از عقود مشارکتی و غیرمشارکتی در بانکداری اسلامی می‌پردازند. این عقود هرچند که از نظر شرعی پذیرفته شده هستند، اما به دلیل مشکلات عملیاتی و اجرایی، منجر به پیچیدگی‌های قراردادی و افزایش هزینه‌ها شده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر نظریه ضمان پول و راهکارهای جبران ارزش ازدست‌رفته پول، به دنبال راه‌حلهایی برای رفع این چالش‌هاست و توافقات قراردادی مبتنی بر این نظریه را برای تسهیل اجرای عقود بانکی بدون ربا در اقتصاد نوین پیشنهاد می‌کند. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که توسعه بانکداری اسلامی فراتر از صرف اجرای عقود شرعی است و به انطباق و هماهنگی با نیازهای معاصر اقتصادی و بانکی نیز بستگی دارد؛ بنابراین رویکردهای نوآورانه و توجه به مسائل عملی و اجرایی در طراحی و اجرای این نوع عقود اساسی به نظر می‌رسد.

توسعه و ارزیابی شاخص‌های عملکرد در بانکداری اسلامی، به‌عنوان یک زمینه پژوهشی حیاتی، به کوشش‌هایی نیاز دارد که ابعاد مختلف این نظام مالی را به‌صورت جامع و دقیق مورد بررسی قرار دهند. در این راستا، سیدنورانی و دیگران (۱۳۹۶) با بررسی دقیق مقالات مرتبط و مشورت با کارشناسان، به تدوین یک شاخص ترکیبی نوآورانه اقدام کرده‌اند که هدف آن ارزیابی کارایی بانکداری اسلامی در ایران است. این شاخص ترکیبی با ادغام نماگرهای مربوط به ابعاد شرعی و اقتصادی، امکان ارزیابی دقیق‌تر و جامع‌تر عملکرد بانک‌های اسلامی را فراهم می‌آورد. عناصری همچون حذف ربا، تأکید بر عدالت اقتصادی و رعایت اخلاق اسلامی در این شاخص به‌عنوان ابعاد اصلی مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌تواند بستری برای سنجش و بهبود عملکرد بانکداری اسلامی در ابعاد مختلف فراهم آورد. از سوی دیگر، حکیمی‌پور (۱۳۹۷) به بررسی تحولات بانکداری اسلامی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته و به دنبال طراحی شاخص‌های کلیدی برای سنجش میزان موفقیت اجرای این شاخص‌ها در ساختار بانکی کشور است. این پژوهش که از طریق پیمایش انجام شده، بر اهمیت ارائه چارچوبی نظام‌مند برای ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌های عملکرد بانکداری اسلامی در بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی تأکید دارد. این پژوهش با بررسی تفاوت‌های عملکردی بانک‌ها در اجرای اصول بانکداری اسلامی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این نظام مالی را آشکار می‌سازد و راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه می‌دهد. در مجموع، توسعه شاخص‌های عملکرد برای بانکداری اسلامی، امکان ارزیابی جامع‌تر و دقیق‌تری از این نظام مالی را فراهم می‌آورد و به پیشبرد اهداف آن در چارچوب اصول شریعت کمک می‌کند. این پژوهش‌ها نقش مهمی در شناسایی نقاط قوت و ضعف عملکردی بانکداری اسلامی داشته و می‌توانند در جهت بهبود و ارتقای کارآمدی آن مؤثر واقع شوند.

مقایسه تجربیات بین‌المللی در حوزه بانکداری اسلامی و اهمیت توسعه شاخص‌های نوآورانه، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در پیشبرد اهداف این نظام مالی مطرح است. توکلی و کریمی (۱۳۹۳) با تمرکز بر توسعه معیارهای انطباق عملیات بانکی با اصول و آرمان‌های شرعی، به ارزیابی و بررسی چگونگی تحقق این اصول در بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با ارائه شاخص‌های مختلف برای سنجش مطابقت عملکرد بانک‌ها با موازین شرعی،

نشان می‌دهد که توجه به قرض‌الحسنه و اهداف اسلامی می‌تواند به ارتقای عدالت و کارآمدی در عملیات بانکی کمک کند. از سوی دیگر، فارابی و ترابی (۱۳۹۴) به بررسی تجربیات بین‌المللی در بانکداری اسلامی پرداخته و تفاوت‌های عملکردی بانک‌ها در کشورهای اسلامی مختلف مانند ترکیه، مالزی و عربستان سعودی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. این مطالعه تأکید می‌کند که استفاده از معیارهای دقیق و جامع برای سنجش میزان موفقیت بانکداری اسلامی اهمیت بالایی دارد و می‌تواند در تعیین راهبردهای بهبود و توسعه این نظام مالی مؤثر باشد.

مقایسه تجربیات و توسعه شاخص‌های نوآورانه، نه تنها امکان ارزیابی دقیق‌تری از عملکرد بانکداری اسلامی را فراهم می‌آورد، بلکه در شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این نظام مالی نیز نقش کلیدی دارد. این پژوهش‌ها با ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط موجود، زمینه‌ساز افزایش اثربخشی و کارآمدی بانکداری اسلامی در عرصه بین‌المللی هستند و به سمت انطباق بیشتر عملیات بانکی با اصول شریعت سوق می‌دهند. نقش قصد و نظارت شرعی در تنظیم و اجرای قراردادهای بانکداری اسلامی به عنوان یک عامل حیاتی برای اطمینان از انطباق با اصول شریعت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. آهنگران (۱۳۹۲) از منظر فقهی، قصد و انشای عقد را به عنوان مؤلفه‌های اصلی در صحت قراردادهای بررسی کرده و تأکید می‌کند که فهم و آگاهی کامل طرفین از ماهیت و انشای قرارداد برای انعقاد معاملات مشروع و شرعی ضروری است. این پژوهش نشان می‌دهد که قصد واقعی طرفین در ایجاد تعهد و تبعات حقوقی آن، نقش کلیدی در تعیین صحت یا بطلان عقود دارد و از این رو نیاز به آموزش و شفاف‌سازی برای تحقق این شرایط حائز اهمیت است. از سوی دیگر، نوابی مقدم و دیگران (۱۴۰۲) اهمیت نظارت شرعی را در اطمینان از هماهنگی عملیات بانکی با قواعد و اصول شریعت مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش با تأکید بر لزوم وجود ساختارهای نظارتی مؤثر در بانکداری اسلامی، به بررسی تجارب موفق مؤسسات مالی اسلامی بین‌المللی در پیاده‌سازی چارچوب‌های نظارت شرعی پرداخته و نشان می‌دهد که نظارت دقیق و مستمر می‌تواند به حفظ اعتماد و ارتقای عدالت در نظام بانکی اسلامی کمک کند.

این دو مطالعه با ارائه دیدگاه‌های مکمل تأکید می‌کنند که تحقق اصول بانکداری اسلامی، نه تنها به فرمول‌بندی قراردادهای مطابق با شریعت بستگی دارد، بلکه به فهم دقیق و عمیق از این قراردادهای توسط طرفین و نظارت مستمر بر اجرای آنها وابسته است. این پژوهش‌ها راهنمایی برای بهبود شیوه‌های عملیاتی و نظارتی در نظام بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند که به نوبه خود می‌تواند به ارتقای اثربخشی و شفافیت در این حوزه منجر شود.

مطالعات مربوط به بانکداری اسلامی نشان‌دهنده تلاش گسترده‌ای است که برای تطبیق فعالیت‌های مالی با اصول و ضوابط شریعت اسلامی صورت گرفته است. در این میان، محقق (۱۳۹۰) با پیشنهاد «شاخص ربا»، به دنبال ارائه ابزاری برای ارزیابی دقیق‌تر انطباق فعالیت‌های بانکی با اصول شریعت است، تا از ورود به معاملات ربوی پرهیز شود. این شاخص به عنوان نوآوری در ارزیابی عملکرد بانک‌ها در زمینه پایبندی به قواعد شریعت، نقش مهمی در بهبود شفافیت و عدالت مالی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، محقق‌نیا و دیگران (۱۴۰۲) با تمرکز بر شاخص عدالت، به

جنبه‌ای دیگر از اصول بانکداری اسلامی توجه نشان داده‌اند. این پژوهش که به بررسی اهمیت عدالت در تخصیص منابع مالی می‌پردازد، نشان‌دهنده اهمیت توجه به ابعاد انسانی و اخلاقی در عملیات بانکداری است. شاخص عدالت ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به عنوان معیارهایی برای سنجش چگونگی پاسخ‌گویی بانک‌ها به نیازهای مشتریان و جامعه در چارچوب ارزش‌های اسلامی استفاده شوند.

ارزیابی کلی این دو پژوهش و دیگر مطالعات مرتبط نشان می‌دهد که چالش‌های موجود در بانکداری اسلامی، نه تنها در زمینه تقنینی و اجرایی است، بلکه در ابعاد فهم و درک اصول شرعی و کاربرد آنها در محیط عملی نیز وجود دارد. طراحی و ارزیابی شاخص‌های دقیق و کاربردی که هم انطباق کامل با شریعت را تضمین کنند و هم قابل فهم و اجرا برای کارکنان و مشتریان بانک‌ها باشند، می‌تواند به عنوان فرصتی برای بهبود و تعمیق بانکداری اسلامی در نظر گرفته شود. این امر نیازمند تلاش مشترک دانشگاهیان، فقهای اسلامی و مدیران بانکی برای توسعه رویکردهای نوآورانه و مؤثر در این حوزه است.

یافته‌های مطالعات مرور شده نشان‌دهنده نیاز مبرم به تدوین شاخص‌های دقیق و کاربردی در بانکداری اسلامی است که با ضوابط فقه اسلامی مطابقت داشته باشند. این شاخص‌ها باید قادر به ارزیابی میزان صوری نبودن قراردادهای انطباق کامل با اصول شریعت و تحقق اهداف عدالت و کارآمدی در بانکداری اسلامی باشند. توجه به تحلیل‌های فقهی و حقوقی در کنار مطالعات تجربی از کشورهای مختلف می‌تواند نگرش‌های گران‌بهایی برای توسعه این شاخص‌ها فراهم آورد.

۲. سوالات پژوهش

پس از بررسی مبانی نظری موجود و مطالعات انجام شده، پرسش‌های پژوهش به صورت ذیل طراحی شده است:

- مهم‌ترین مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای با ضوابط فقه اسلامی کدامند؟
- اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی کدامند؟

۳. روش پژوهش

در این بخش مدل پیاز تحقیق ساندرز و دیگران (۲۰۱۶) مبنا قرار گرفته است. بر اساس این مدل، تحقیق از لایه‌های مختلف که در آن هر لایه متأثر از لایه بالاتر شکل گرفته است. این لایه‌ها عبارت‌اند از:

۱. مبانی فلسفی تحقیق؛ ۲. رویکرد تحقیق؛ ۳. روش‌شناسی تحقیق؛ ۴. استراتژی تحقیق؛ ۵. انتخاب روش؛ ۶. افق زمانی تحقیق؛ ۷. تکنیک‌ها و رویه‌ها (شیوه گردآوری و تحلیل داده‌های تحقیق).

این پژوهش در دو فاز ذیل طراحی شده است:

فاز اول: با استفاده از روش تحلیل محتوا به شناسایی و استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی، با استفاده از ترکیب ابزار مصاحبه و گروه کانونی با خبرگان پرداخته شده است؛

فاز دوم: در این فاز با استفاده از روش بهترین - بدترین (BWM)، معیارهای استخراجی از فاز اول تحقیق اولویت‌بندی می‌شوند.

جدول ۱: تشریح فازهای پژوهش

فازهای پژوهش	اهداف هر فاز	روش / ابزار مورد استفاده	روش گردآوری	هدف
فاز اول	شناسایی و استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی	تحلیل محتوا	مصاحبه و گروه کانونی	توسعه‌ای
فاز دوم	اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی	روش بهترین - بدترین	پیمایش	کاربردی

۳-۱. تحلیل محتوا

کرپندورف تحلیل محتوا را به‌عنوان یک استراتژی در پژوهش معرفی می‌کند که برای استخراج مفاهیمی که به‌طور مکرر و با اعتبار از متن‌ها به‌دست می‌آیند، استفاده می‌شود و شامل به‌کارگیری روش‌های علمی خاص برای تحلیل داده‌هاست. این روش با هدف افزایش دانش، فراهم آوردن نگرش‌های تازه، ارائه تصویری دقیق از واقعیات و ارائه مشاوره برای اقدامات مشخص شده است (کرپندورف، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۶). شی یه و شانون (۲۰۰۵) نیز تحلیل محتوا را به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی و یک ابزار انعطاف‌پذیر برای تجزیه و تحلیل داده‌های متنی توصیف می‌کنند که دامنه‌ای از رویکردهای تحلیلی را از تحلیل‌های مبتنی بر احساس، شهود و تفسیر تا رویکردهای دقیق و سازمان‌یافته متنی دربر می‌گیرد. در این پژوهش، تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و کاربرد روش‌های گروه کانونی به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند (Hsieh & Shannon, 2005, p.1277).

در این پژوهش، نمونه‌گیری به‌شیوه هدفمند و با تأکید بر معیارهای تخصصی، تجربی و آشنایی عمیق با اصول بانکداری اسلامی صورت پذیرفته است. هدف از انتخاب این گروه، دستیابی به دیدگاه‌های کارشناسی و واقع‌بینانه درباره میزان انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی بوده است. برای این منظور، مشارکت‌کنندگان از میان افرادی انتخاب شده‌اند که دارای یکی از این شرایط بوده‌اند: سابقه حرفه‌ای در طراحی، اجرای یا نظارت بر قراردادهای بانکی در نظام بانکداری بدون ربا، سابقه آموزشی یا پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی، فقه معاملات، حقوق مالی یا بانکداری اسلامی، یا عضویت در نهادهای نظارتی شرعی بانکی.

معیار اصلی ورود به نمونه، داشتن حداقل پنج سال سابقه در حوزه‌های یادشده بوده است. با این حال، برای ارتقای کیفیت داده‌ها، در انتخاب افراد صرفاً به پیشینه شغلی بسنده نشده و سوابق علمی، ترکیب تحصیلات دانشگاهی و حوزوی و نقش‌های کلیدی در سیاست‌گذاری یا نظارت شرعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در میان مصاحبه‌شوندگان افرادی با مدرک دکتری در رشته‌هایی نظیر حقوق مالی، اقتصاد اسلامی و مدیریت بانکی حضور

داشته‌اند؛ همچنین برخی از پاسخ‌دهندگان علاوه بر مدرک دانشگاهی، از تحصیلات حوزوی نیز برخوردار بوده و در کمیته‌های فقهی یا هیئت‌های مشورتی بانک‌ها عضویت داشته‌اند.

فرایند گردآوری داده‌ها بر اساس اصل اشباع نظری انجام شده است. همان‌طور که گلپز و اشتراوس (۱۹۶۷) اشاره کرده‌اند مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدید به غنای معنایی مقوله‌های اصلی نیفزاید. اشباع نظری پس از انجام ۱۸ مصاحبه حاصل شد، ولی برای تقویت کفایت داده‌ها، در نهایت تعداد مصاحبه‌شوندگان به ۲۴ نفر افزایش یافت. ترکیب جمعیت‌شناختی و حرفه‌ای پاسخ‌دهندگان از نظر جنسیت، سطح تحصیلات، موقعیت شغلی و حوزه تخصصی در جدول ذیل به‌صورت تحلیلی ارائه شده است.

جدول ۲: ترکیب تحلیلی مصاحبه‌شوندگان بر اساس ویژگی‌های کلیدی

شاخص	گروه‌بندی	فراوانی	درصد	تحلیل و تفسیر
جنسیت	مرد	۱۹	۷۹	حضور غالب مردان ناشی از ترکیب جنسیتی مشاغل ارشد در نظام بانکی کشور است.
	زن	۵	۲۱	مشارکت زنان در حوزه‌های تحلیل، ریسک و مشاوره مالی نمایانگر تخصصی در لایه‌های غیراجرایی است.
تحصیلات	کارشناسی	۱	۴	تنها یک نفر دارای مدرک کارشناسی بوده که در جایگاه عملیاتی بوده است.
	کارشناسی ارشد	۱۳	۵۴	بیشترین سطح تحصیلات مربوط به این مقطع است، اغلب با گرایش‌های اقتصاد و حقوق.
	دکتری	۱۰	۴۲	سهم قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک دکتری در حوزه‌های تخصصی بانکداری، فقه یا اقتصادند.
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۵	۲۱	نمایانگر ورود نسل جدید با رویکرد نوگرا در حوزه‌های ریسک، مالی و تحلیل.
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۱۳	۵۴	گروه اصلی مشارکت‌کنندگان، دارای تجربه عمیق ولی به‌روز در امور بانکی و شرعی.
	بیش از ۱۵ سال	۶	۲۵	عمدتاً مدیران ارشد، مشاوران کلان و اعضای کمیته‌های فنی و تخصصی.
موقعیت شغلی	مدیر ارشد یا عضو هیئت‌مدیره	۹	۳۸	حضور مدیران کل و مشاوران ارشد نشان‌دهنده وزن تصمیم‌سازی پاسخ‌هاست.
	مدیر میانی	۱۰	۴۲	این گروه دیدگاه‌های اجرایی و تجربه‌محور را به پژوهش افزوده‌اند.
	تحلیلگر یا پژوهشگر	۵	۲۰	سهم پژوهشگران در تقویت رویکرد علمی و انتقادی در مصاحبه‌ها مهم بوده است.
حوزه تخصصی	بانکداری و اقتصاد اسلامی	۸	۳۳	نمایانگر تمرکز نظری مصاحبه‌ها بر فقه معاملات و سازوکارهای شرعی.
	حقوق مالی و قراردادها	۶	۲۵	این گروه به تحلیل ابعاد فقهی - حقوقی و ساختار قراردادها پرداخته‌اند.
	مدیریت مالی، حسابداری، ریسک	۶	۲۵	تخصص در طراحی، کنترل و ارزیابی ابزارهای مالی اسلامی.

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به ترکیب تخصصی یادشده، تلاش شد تا ضمن بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان بانکی، از حضور متخصصانی با نگاه نظری و فقهی نیز استفاده شود تا تفسیر یافته‌ها صرفاً در چارچوب ساختار موجود نظام بانکی باقی نماند. با این وجود، می‌توان دریافت که بخشی از مصاحبه‌شوندگان به دلیل اشتغال در نظام بانکی ممکن است در موضع

دفاع از وضعیت موجود قرار گیرند؛ از این رو در مرحله تحلیل، با بهره‌گیری از کدگذاری باز و تحلیل محتوای انتقادی، از سوگیری احتمالی جلوگیری شده است.

در این مطالعه، تمرکز بر کاوش عمیق در مصاحبه‌ها بوده است؛ لذا متن مصاحبه‌ها مکرر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در فرایند کدگذاری باز، هنگام مطالعه مصاحبه‌ها، انواع مشاهدات و یادداشت‌هایی روی آنها انجام شده است. این یادداشت‌ها به دفعات مختلف مرور شده و بر اساس نیاز، دسته‌بندی‌ها و عناوین تعریف شده است تا تمامی جوانب محتوایی را پوشش دهند. کدهای ابتدایی به‌طور مداوم بازبینی شده و در این فاز، مقوله‌های پژوهش شکل گرفته است (Elo & Kyngas, 2008).

پس از اتمام فرایند کدگذاری باز و شناسایی مقوله‌ها، مرحله دسته‌بندی مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها آغاز می‌شود. این دسته‌بندی به‌منظور سازماندهی و ساده‌سازی داده‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های بین مقوله‌ها انجام می‌گیرد که به‌نوبه خود به دستیابی به درک عمیق‌تری از مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی کمک می‌کند. این دسته‌بندی امکان تحلیل دقیق‌تر و فراگیرتری را فراهم می‌آورد و هدف نهایی آن شناسایی و تحلیل عمیق مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی مرتبط با شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در چارچوب بانکداری اسلامی است. این فرایند نه‌تنها به درک جامع‌تری از ساختار و عملکرد این شاخص‌ها منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز توسعه رویکردهای نوآورانه در بهبود این شاخص‌ها نیز می‌گردد.

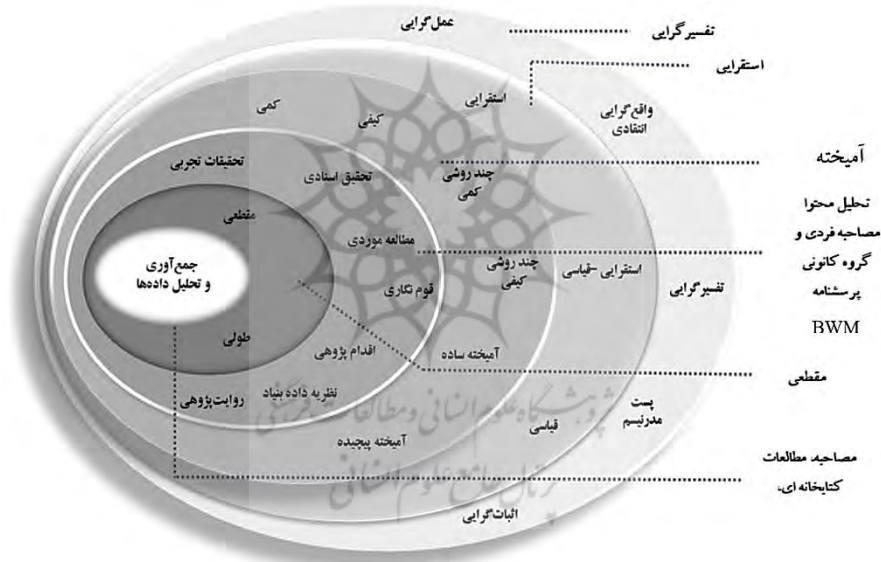
۳-۲. روش بهترین - بدترین (BWM)

روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین - بدترین (BWM) که توسط رضایی (۲۰۱۵) معرفی شد، ابزاری است که برای انتخاب ایده‌آل‌ترین گزینه میان گزینه‌های متعدد با توجه به شاخص‌های متفاوت به کار می‌رود. این روش، توسط متخصصان به‌منظور تعیین و مقایسه بهترین و بدترین شاخص‌ها و سپس ارزیابی زوجی آنها با دیگر شاخص‌ها به کار گرفته می‌شود. ویژگی‌های قابل توجه این روش نسبت به دیگر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره شامل نیاز کمتر به داده‌های مستقیم و ارائه نتایج دقیق‌تر می‌باشد. روش بهترین - بدترین (BWM) به دلیل ساختار ساده و منطقی، فرایند تصمیم‌گیری را ساده‌تر می‌کند، دقت بالایی در تعیین روابط و ترجیحات بین شاخص‌ها دارد و قابل ترکیب با سایر روش‌های تصمیم‌گیری است. این روش در تخصیص وزن به شاخص‌ها برای منعکس کردن دقیق دیدگاه‌ها و اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان بسیار مؤثر است. استفاده از این روش به دلیل کاهش پیچیدگی و افزایش دقت در تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، ارزشمند است. در این پژوهش، به‌منظور طراحی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی، دو فاز اساسی تعریف شده است که به استخراج و اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های کلیدی می‌پردازد. در فاز اول، از مصاحبه‌های کیفی بهره گرفته شده تا مقوله‌های اصلی مورد نظر استخراج گردند. این داده‌ها

از طریق بررسی مصاحبه‌ها و گفت‌وگو با خبرگان در حوزه بانکداری اسلامی جمع‌آوری شده‌اند که به فهم عمیق‌تری از ابعاد مختلف قرض الحسنه منجر می‌شود.

فاز دوم، به اولویت‌بندی مقوله‌های شناسایی شده اختصاص یافته است که با استفاده از پرسش‌نامه و رویکردهای ارزیابی مشارکتی انجام شده است. این فاز بر اساس چهار شیوه گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی کرسول و کرسول (۲۰۱۷) مورد استفاده قرار گرفته و این امکان را فراهم کرده است تا وزن و اهمیت نسبی هریک از مقوله‌ها را در شاخص کلی ربا مشخص گردد (Creswell & Creswell, 2017, p218). این اولویت‌بندی به طراحی شاخصی منجر می‌شود که نه تنها ابعاد نظری و عملیاتی شاخص ربا را دربر می‌گیرد، بلکه نظرات و ترجیحات خبرگان را نیز منعکس می‌کند. به منظور جمع‌بندی و درک بهتر روش‌شناسی این پژوهش، لایه‌های کلی آن بر اساس پیاز پژوهش ساندرز و دیگران (۲۰۱۶) ارائه شده است.

تصویر ۱: شمای کلی روش‌شناسی پژوهش



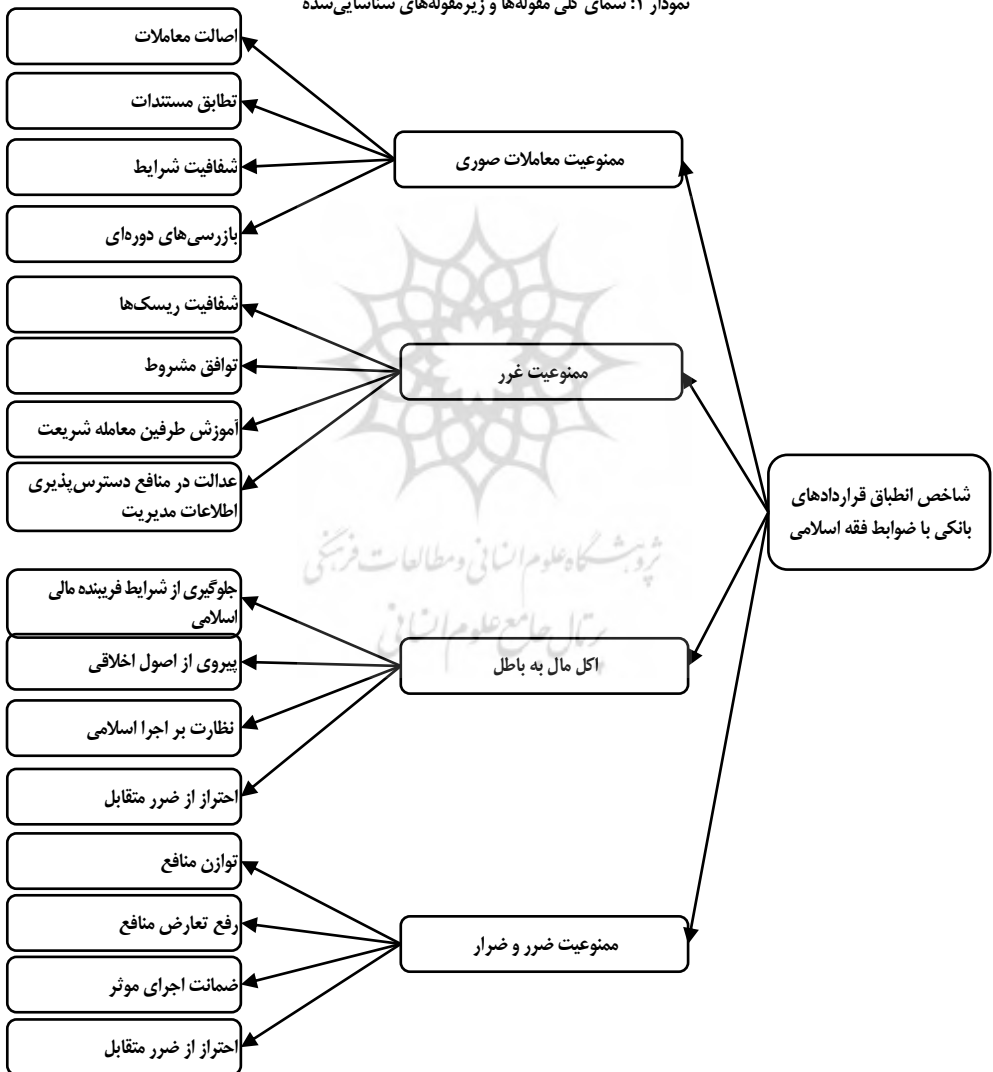
منبع: (ساندرز و دیگران، ۲۰۱۶)

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

ابتدا در این بخش مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی با استفاده از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌ها ارائه شده است؛ سپس معیارهای استخراج‌شده با توجه به نظر خبرگان و استفاده از روش بهترین - بدترین (BWM) اولویت‌بندی شده است. در این مطالعه پس از پایان یافتن ۱۸ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. با این حال، ۳۴ نفر از خبرگان به منظور حصول اطمینان از کفایت و مربوط بودن مؤلفه‌ها، مصاحبه‌ها ادامه یافت. نمونه به صورت هدفمند و با توجه به معیارهای مشخص انتخاب شده است. در روند جلسات مصاحبه با هدایت محقق به عنوان تسهیل‌گر شاخص

استخراج شد. بر این اساس به منظور تکمیل مقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در بانکداری اسلامی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی آن با خبرگان صنعت مصاحبه صورت گرفته است. بررسی مصاحبه و پژوهش‌های انجام‌شده توسط نمونه و کدگذاری اولیه این داده‌ها منتج به استخراج کد خام شده است. پس از استخراج کدهای خام اولیه، این کدها بارها توسط محققان بررسی و دسته‌بندی شده است. طبقه‌بندی کدهای خام به دست آمده تحت چهار مقوله استخراج شده است. در ادامه کلیه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج‌شده به تفکیک هریک از طبقات ارائه شده است. لازم به ذکر است این مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها ابتدا از تحلیل محتوا استخراج شده است.

نمودار ۱: شمای کلی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شناسایی شده



جدول ۳: تعریف مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی

زیرمقوله	معیار سنجش پذیر عملیاتی و اجرایی در بانک	معیار کمی برای سنجش
اصالت معاملات	در تمامی مواردی که هدف مشتری در فرم تقاضای تسهیلات با نوع عقد تنظیم شده مغایرت داشته باشد (مانند استفاده از عقد مرابحه برای تأمین سرمایه در گردش)، سیستم باید هشدار انحراف صادر نماید. ارزیابی توسط کارشناس اعتبارات ضروری است.	حداقل ۹۰ درصد انطباق ماهانه بین هدف و عقد ثبت شده
تطابق مستندات	مستندات ارائه شده (فاکتور، صورت حساب، بارنامه) باید حداقل در سه شاخص کلیدی شامل نام کالا، مبلغ، تاریخ یا طرف معامله با مندرجات قرارداد مطابقت داشته باشند. تأیید صحت از طریق فرم کنترل مستندات در سامانه اعتبارسنجی الزامی است.	حداقل ۹۵ درصد پرونده‌ها دارای انطباق کامل اسناد
شفافیت شرایط	مشتری موظف است پیش از انعقاد قرارداد، پرسش‌نامه‌ای متشکل از چهار پرسش کلیدی درباره مفاد قرارداد را تکمیل نماید. در صورت کسب نمره کمتر از ۳ از ۴، فرایند عقد متوقف می‌گردد.	میانگین نمره حداقل ۳ از ۴ در آزمون درک مفاد قرارداد
بازرسی‌های دوره‌ای	حداقل ۲۰ درصد از قراردادهای منقضیه باید در بازه زمانی حداکثر دوماهه، از سوی ناظر شرعی، ممیز داخلی یا واحد بازرسی، مورد راستی‌آزمایی میدانی یا سیستمی قرار گیرند. مستندات باید در پرونده ثبت شود.	حداقل ۲۰ درصد قراردادهای مشمول بازرسی ثبت شده
شفافیت ریسک‌ها	قرارداد تسهیلات باید حاوی بخش مجزایی برای تبیین صریح ریسک‌ها و پیامدهای تأخیر باشد. مشتری باید با امضای فرم پذیرش، این موارد را تأیید و در سامانه ثبت نماید.	حداقل ۹۰ درصد قراردادهای دارای بند شفاف‌سازی ریسک با پذیرش کتبی
توافق مشروط	شروط ضمن عقد باید در قالب ضمیمه رسمی با شماره مجزا و امضای مستقل مشتری و تأیید مدیر اعتبارات در پرونده ثبت شود.	حداقل ۹۵ درصد شروط ثبت شده دارای تأییدیه مکتوب دوطرفه
آموزش طرفین معامله	ارائه محتوای آموزشی استاندارد درباره ماهیت عقد و فرایند بازپرداخت به مشتری الزامی است. این آموزش می‌تواند به صورت حضوری یا از طریق سامانه باشد و گواهی مشاهده باید در پرونده ثبت شود.	حداقل ۹۰ درصد مشتریان دارای سند رسمی آموزش عقد
عدالت در منافع	در عقود مشارکتی یا سلف، باید تحلیلی از نسبت بازده واقعی پروژه به سود دریافت شده توسط بانک ارائه شود. چنانچه سود بانک بیش از ۱،۲ برابر بازده واقعی باشد، هشدار سیستمی ثبت و موضوع به کمیته فنی ارجاع داده شود.	نسبت سود بانک به بازده پروژه حداکثر ۱،۲
جلوگیری از شرایط فریبنده	عدم وجود شکایات ثبت شده در سامانه یا موضوع ناآگاهی از مفاد قرارداد یا وجود بندهای مهم (با تأیید حقوقی) معیار سلامت فقهی و اخلاقی قرارداد تلقی می‌شود.	حداکثر ۲ شکایت رسمی از هر ۱۰۰ قرارداد منعقد
پیروی از اصول اخلاقی	گزارش‌های ثبت شده در سامانه تخلفات اداری نباید بیش از دو مورد سالانه به یک کارمند نسبت داده شود. موارد تخلف شامل تبعیض، درخواست فاکتور صوری، یا دریافت هدیه می‌باشد.	حداکثر ۲ تخلف اخلاقی مرتبط با قرارداد در سال
نظارت بر اجرای اسلامی	کلیه قراردادهای پیش از امضا باید توسط ناظر شرعی داخلی یا شورای فقهی بانک مرکزی تأیید شده باشند. مستند این تأیید باید به صورت فیزیکی یا سیستمی در پرونده دیجیتال ثبت شود.	حداقل ۹۵ درصد قراردادهای دارای تأییدیه شرعی پیش از انعقاد
احتراز از ضرر متقابل	در قراردادهای باید حداقل یکی از بندهای حمایتی نظیر امهال، تعلیق یا بخشودگی لحاظ شود. گزارش عملکرد این بندها باید هر شش ماه یک بار تهیه و تحلیل گردد.	حداقل ۸۰ درصد عقود دارای بند حمایتی فعال و عملیاتی
توازن منافع	نسبت سود و آورده بین طرفین باید در نرم‌افزار محاسبه و ثبت شود. در صورت بروز اختلاف بیشتر از ۲۰ درصد در منافع نسبت به سرمایه‌گذاری، تأییدیه کمیته فنی الزامی است.	نسبت سود به آورده مشتری در بازه ۰،۷ تا ۱،۳
رفع تعارض منافع	در کلیه تسهیلات بالای ۵ میلیارد ریال، فرم رسمی افشای تعارض منافع باید توسط کارمند اعتبارات و مشتری تکمیل شده و در صورت مشاهده تضاد، اقدامات اصلاحی مستند شود.	حداقل ۹۰ درصد پرونده‌های مشمول دارای فرم تکمیل شده افشای تعارض
ضمانت اجرای مؤثر	در قرارداد باید دست‌کم یکی از بندهای فسخ بکجانبه، پیگیری قضایی یا جریمه تأخیر درج شده باشد؛ همچنین در صورت وقوع تخلف، استفاده عملی از این بندها باید ثبت گردد.	حداقل ۷۰ درصد قراردادهای متخلف با اعمال بند ضمانت اجرا

در تدوین شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در حوزه بانکداری اسلامی، مؤلفه‌های متعددی با اهمیت ویژه‌ای مطرح می‌شوند. بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده، «ممنوعیت معاملات صوری» با ضریب نسبی ۰/۳۷ به‌عنوان مهم‌ترین مقوله شناخته شده و بیانگر اهمیت بالای شفافیت و اصالت در معاملات است. این مقوله تأکید دارد که قراردادها باید منعکس‌کننده اراده واقعی طرفین و فاقد هرگونه عنصر صوری باشند تا بتوانند معیارهای شریعت اسلامی را به‌طور کامل برآورده سازند.

در رتبه دوم، «ممنوعیت غرر» با ضریب نسبی ۰/۳۲۲ قرار دارد که بر اهمیت کاهش ریسک و ابهام در معاملات و اطمینان از توافقات مشروط بر اساس عدالت تأکید دارد. این شاخص نشان‌دهنده نیاز به شفاف‌سازی شرایط معامله و افزایش آگاهی طرفین است تا از ایجاد توافقاتی که ممکن است به ضرر یکی از طرفین تمام شوند، جلوگیری گردد. «اکل مال به باطل» با ضریب نسبی ۰/۲۵۲ به‌عنوان سومین شاخص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بر نیاز به جلوگیری از شرایط فریبنده و پیروی از اصول اخلاقی در معاملات تأکید می‌کند. این مقوله از اهمیت حیاتی در جلوگیری از تصاحب نادرست اموال و اطمینان از انجام معاملاتی که به ضرر متقابل منجر نمی‌شوند، برخوردار است. در نهایت، «ممنوعیت ضرر و ضرار» با ضریب نسبی ۰/۰۴۵ کمترین وزن را داراست، اما همچنان یک عنصر حیاتی است که بر اهمیت توازن و رفع تعارض منافع در معاملات تأکید دارد. این مؤلفه به دنبال ایجاد یک محیط معاملاتی است که در آن هیچ‌یک از طرفین نباید متحمل ضرر غیرعادلانه شوند و اطمینان از اجرای مؤثر قوانین و ضوابط اسلامی در تمامی تعاملات بانکی است. این شاخص‌ها و وزن‌های نسبی آنها نقش بنیادین در تضمین انطباق قراردادهای بانکی با اصول و معیارهای شرعی دارند و به‌عنوان راهنمایی برای ارتقای عملکرد بانکداری اسلامی در راستای رعایت کامل ضوابط فقهی عمل می‌کنند.

جدول ۴: وزن مقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی

زیرمقوله	وزن نسبی زیرمقوله	اولویت نسبی زیرمقوله
ممنوعیت معاملات صوری	۰/۳۷	۱
ممنوعیت غرر	۰/۳۲۲	۲
اکل مال به باطل	۰/۲۵۲	۳
ممنوعیت ضرر و ضرار	۰/۰۴۵	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵: وزن مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی

مقوله	زیرمقوله	وزن نسبی زیرمقوله	وزن نهایی	اولویت نسبی زیرمقوله	اولویت نهایی
ممنوعیت معاملات صوری	اصالت معاملات	۰/۰۴۵	۰/۰۱۷	۴	۱۱
	تطابق مستندات	۰/۳۲۶	۰/۱۲۱	۲	۳
	شفافیت شرایط	۰/۴۰۰	۰/۱۴۸	۱	۱
	بازرسی‌های دوره‌ای	۰/۲۳۷	۰/۰۸۴	۳	۶

ممنوعیت غرر	شفافیت ریسک‌ها	۰/۴۰۹	۰/۱۳۲	۱	۲
	توافق مشروط	۰/۰۴۵	۰/۰۱۴	۴	۱۲
	آموزش طرفین معامله	۰/۲۲۸	۰/۰۷۳	۳	۸
	عدالت در منافع	۰/۳۱۶	۰/۱۰۲	۲	۵
اکل مال به باطل	جلوگیری از شرایط فریبنده	۰/۰۴۵	۰/۰۱۱	۴	۱۴
	پیروی از اصول اخلاقی	۰/۴۰۹	۰/۱۰۳	۱	۴
	نظارت بر اجرا اسلامی	۰/۳۱۶	۰/۰۸۰	۲	۷
	احتراز از ضرر متقابل	۰/۲۲۸	۰/۰۵۷	۳	۹
ممنوعیت ضرر و ضرار	توازن منافع	۰/۲۲۸	۰/۰۱۰	۳	۱۵
	رفع تعارض منافع	۰/۳۱۶	۰/۰۱۴	۲	۱۳
	ضمانت اجرای مؤثر	۰/۴۰۹	۰/۰۱۸	۱	۱۰
	احتراز از ضرر متقابل	۰/۰۴۵	۰/۰۰۲	۴	۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، تحلیل دقیقی از شاخص انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در بانکداری اسلامی ارائه شده است. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مورد بررسی به دقت وزن‌دهی شده است و به درکی جامع از اولویت‌ها و اهمیت نسبی هریک در این حوزه دست یافته است. نتایج حاصل از این تحلیل وزنی، به‌ویژه در ارائه راهنمایی برای تقویت نظام بانکداری اسلامی به‌منظور اطمینان از انطباق کامل با اصول شرعی، اهمیت بسزایی دارد.

در مقوله «ممنوعیت معاملات صوری»، مؤلفه «شفافیت شرایط» با وزن نهایی ۰/۱۴۸ و اولویت نهایی ۱، بالاترین اهمیت را به خود اختصاص داده است. این نشان‌دهنده ضرورت اساسی ایجاد شفافیت در شرایط و قوانین معاملات است تا از هرگونه ابهام یا سوءتفاهمی که می‌تواند به معاملات صوری منجر شود، پیشگیری شود. «تطابق مستندات» نیز با وزن نهایی ۰/۱۲۱ و اولویت نهایی ۳، اهمیت بالایی دارد که بر لزوم هماهنگی مستندات قراردادی با واقعیات و اصول شرعی تأکید دارد.

در مقوله «ممنوعیت غرر»، «شفافیت ریسک‌ها» با وزن نهایی ۰/۱۳۲ و اولویت نهایی ۲، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مؤلفه تأکید می‌کند که طرفین معامله باید از تمام ریسک‌ها و پیامدهای احتمالی معامله آگاه باشند تا تصمیمات آگاهانه‌ای اتخاذ شود. همچنین «عدالت در منافع» با وزن نهایی ۰/۱۰۲ و اولویت نهایی ۵، بر اهمیت ایجاد توازن و عدالت در تقسیم منافع و زیان‌های معاملاتی تأکید می‌کند.

در مقوله «اکل مال به باطل»، «پیروی از اصول اخلاقی» با وزن نهایی ۰/۱۰۳ و اولویت نهایی ۴، به‌عنوان یک اصل کلیدی برای جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری ناعادلانه از معاملات برجسته شده است. این نشان‌دهنده نیاز مبرم به تبعیت از اخلاق و اصول اسلامی در تمامی معاملات است.

در نهایت، مقوله «ممنوعیت ضرر و ضرار» که نسبتاً کمترین اولویت را دارد، همچنان بخشی حیاتی از اصول بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد. «ضمانت اجرای مؤثر» با وزن نهایی ۰/۰۱۸ و اولویت نهایی ۱۰، بر اهمیت اجرایی کردن قوانین به‌گونه‌ای تأکید دارد که از وقوع هرگونه ضرر به طرفین معامله جلوگیری شود.

این نتایج تأکید می‌کنند که برای اطمینان از انطباق کامل قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی، لازم است که تمرکز ویژه‌ای بر شفافیت، عدالت، اخلاق و اجرای مؤثر قوانین صورت گیرد. این شاخص آنها به بانکداری اسلامی کمک می‌کنند تا با یک دیدگاه جامع و متعادل، به بهبود مستمر و هماهنگی بیشتر با اصول اسلامی بپردازد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مطالعه حاضر، تصویری جامع و نظام‌مند از شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با انطباق قراردادهای بانکی با ضوابط فقه اسلامی در چارچوب بانکداری اسلامی ارائه می‌دهد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین - بدترین (BWM)، کوشیده است تا چارچوبی دقیق برای سنجش میزان انطباق شرعی قراردادهای بانکی ارائه دهد. انجام ۱۸ مصاحبه منجر به اشباع نظری شد، اما به منظور اعتبارسنجی و پوشش بیشتر دیدگاه‌های تخصصی، مصاحبه‌ها با ۲۴ نفر از خبرگان ادامه یافت. بر اساس یافته‌ها، «ممنوعیت معاملات صوری» با بالاترین وزن نسبی، به عنوان اصلی‌ترین شاخص در راستای مقابله با ربوی شدن غیرمستقیم قراردادهای بانکی شناخته شد. این شاخص بر ضرورت اصالت و واقع‌گرایی در معاملات تأکید دارد و بیان می‌کند که قراردادها باید بازتاب‌دهنده نیت واقعی و تعهد عملی طرفین باشند. زیرمقوله‌های «شفافیت شرایط» و «تطابق مستندات» نیز به عنوان اجزای کلیدی این حوزه، بر شفاف‌سازی اطلاعات قراردادی و صحت اسناد تنظیم‌شده دلالت دارند.

در ادامه، «ممنوعیت غرر» دومین مؤلفه مهم در تحلیل‌ها بود که نشان از اهمیت کاهش ابهام و ریسک در قراردادهای بانکی دارد. مؤلفه‌هایی همچون «شفافیت ریسک‌ها» و «عدالت در منافع» بر ضرورت آگاهی کامل طرفین از مخاطرات و پیامدهای اقتصادی و همچنین رعایت انصاف در توزیع سود و زیان دلالت دارند؛ همچنین «اکل مال به باطل» به عنوان سومین شاخص، نقش اصول اخلاقی و فقهی در جلوگیری از بهره‌کشی و فریب را برجسته کرده است؛ به‌ویژه مؤلفه‌هایی چون «پیروی از اصول اخلاقی» و «نظارت بر اجرای اسلامی» که به کارآمدی عملیاتی در کنترل تخلفات کمک می‌کنند. در نهایت، «ممنوعیت ضرر و ضرار» هرچند پایین‌ترین وزن نسبی را کسب کرده است، اما همچنان حائز اهمیت فقهی بنیادین بوده و بر تعادل، رفع تعارض منافع و پیشگیری از زیان غیرعادلانه برای طرفین معامله تأکید دارد.

از منظر عملیاتی، یافته‌های این پژوهش صرفاً جنبه نظری ندارند، بلکه دارای ظرفیت بالایی برای پیاده‌سازی در نظام بانکی هستند. شاخص‌های شناسایی شده می‌توانند به عنوان ابزارهای راهبردی در فرایندهای طراحی، نظارت و ارزیابی قراردادها مورد استفاده قرار گیرند. در گام نخست، بانک‌ها قادر خواهند بود با تدوین چک‌لیست‌های ارزیابی شرعی مبتنی بر این مؤلفه‌ها، فرایندهای عقد قرارداد را نظام‌مند و کنترل‌پذیر سازند. این چک‌لیست‌ها می‌توانند در سامانه‌های مدیریت اعتبارات، تسهیلات و ابزارهای مالی گنجانده شوند و از طریق الگوریتم‌های هشداردهنده، عدم انطباق شرعی را شناسایی نمایند.

علاوه بر آن، استقرار ساختارهای نهادینه‌شده برای نظارت شرعی عملیاتی در سطح شعب، یکی دیگر از الزامات اجرای دقیق این شاخص‌هاست. ایجاد واحدهای ناظر شرعی با اختیارات مشخص در خصوص ارزیابی اصالت معاملات، نظارت بر صدور اسناد، کنترل فاکتورهای صوری و بررسی شرایط مبهم قراردادها، می‌تواند به کاهش خطاها و افزایش مشروعیت معاملات کمک کند؛ همچنین ارتقای سواد فقهی و حقوقی کارکنان و آگاهی‌رسانی به مشتریان، به‌ویژه در مورد تفاوت عقود اسلامی با تسهیلات متعارف، نقشی کلیدی در کاهش سطح معاملات صوری و افزایش پذیرش عمومی دارد.

در سطح حاکمیتی، پیشنهاد می‌شود نهادهای ناظر همچون بانک مرکزی، شورای فقهی و کمیته‌های تطبیق شرعی، با استفاده از یافته‌های این پژوهش، اقدام به تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی و چارچوب‌های نظارتی مبتنی بر شاخص‌های ارائه‌شده نمایند؛ همچنین اجرای آزمایشی (پایلوت) این شاخص‌ها در شعب منتخب می‌تواند زمینه‌ساز شناخت بهتر موانع عملیاتی، بررسی اثربخشی واقعی و تسهیل روند تعمیم آنها به سایر بخش‌های نظام بانکی گردد. در صورت اجرایی شدن این رویکرد، بانکداری اسلامی خواهد توانست گامی مؤثر به‌سوی کارآمدی شرعی، شفافیت نهادی و افزایش اعتماد عمومی بردارد.

نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای نهادهای مالی اسلامی در راستای ارتقای کیفیت خدمات، طراحی ابزارهای نوین و اصلاح فرایندهای فعلی مورد استفاده قرار گیرد. شاخص‌های اولویت‌بندی‌شده، چارچوبی اثربخش برای ارزیابی و مقایسه عملکرد بانک‌ها در انطباق با شریعت فراهم می‌آورد و می‌تواند نقش مهمی در رتبه‌بندی شرعی عملکرد مؤسسات مالی ایفا کند.

با توجه به برخی محدودیت‌های این پژوهش، ازجمله تمرکز بر مصاحبه‌های کیفی در حوزه جغرافیایی محدود، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی به طراحی مدل‌های ترکیبی کمی - کیفی پرداخته شود تا دقت تحلیل و قابلیت تعمیم افزایش یابد؛ همچنین انجام پژوهش در سایر کشورها و نظام‌های مالی اسلامی می‌تواند دیدگاه‌های تطبیقی ارزشمندی در زمینه تطابق فقهی قراردادها فراهم کند. در نهایت، بررسی نقش فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، قراردادهای هوشمند و هوش مصنوعی در تضمین انطباق شرعی و کاهش مداخله انسانی، می‌تواند افق جدیدی در مسیر توسعه بانکداری اسلامی باز کند. این فناوری‌ها ضمن افزایش شفافیت، می‌توانند بستر نوآوری و عدالت‌محوری را در نظام مالی اسلامی تقویت نمایند.

منابع

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). *زبدة البیان فی براهین احکام القرآن*. قم: مؤمنین.
- اصفهانی، محمدحسین (بی تا). *حاشیه مکاسب*. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیه (مشمول بر رساله «قاعده لا ضرر»)*. قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکر الثمینیة لمیلاد الشیخ الأنصاری.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المكاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- آهنگران، محمدرسول (۱۳۹۲). *نگاهی نوین به قاعده «تبعیت عقد از قصد» با تأکید بر کاربردهای آن در بانکداری اسلامی*، معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۵(۱)، ۱۷۶-۱۵۷.
- بهاروندی، احمد (۱۳۸۸). *بیان و اثبات تفاوت ماهوی «معاملات مبتنی بر غرر» و «قراردادهای پوشش ریسک» از منظر فقه امامیه*. راهبرد توسعه، ۲۵(۲)، ۲۴۳-۲۴۴.
- توکل، محمدجواد و کریمی، عبدالخالق (۱۳۹۳). *شاخص بانکداری اسلامی*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۶(۱)، ۷۱-۹۴.
- حکیمی پور، نادر (۱۳۹۷). *ارائه شاخص ترکیبی ارزیابی بانکداری اسلامی: مطالعه موردی بانکهای ایران*. اقتصاد اسلامی، ۱۸(۷۲)، ۱۸۲-۱۵۱.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). *مصباح الفقاهة فی المعاملات*. تقریرات: محمدعلی التوحیدی. قم: مکتبه الداوری.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *مصباح الأصول: مباحث الحجج والأمارات*. تقریرات: سیدمحمد سرور الواعظ الحسینی البهسودی. قم: مکتبه الداوری.
- رضوانی، غلامرضا (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات پنجمین همایش بانکداری اسلامی*. تهران، مؤسسه عالی بانکداری.
- سیدنورانی، سیدمحمدرضا و دیگران (۱۳۹۶). *طراحی شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی در ایران*. اقتصاد اسلامی، ۱۷(۶۸)، ۱۱۹-۱۵۱.
- شهنازی، روح الله و پناهی، مجتبی (۱۳۹۵). *سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز*. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۵(۱۶)، ۱۷۵-۲۰۲.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *قاعده نفی غرر در معاملات*. اقتصاد اسلامی، ۳(۹)، ۱۰۶-۸۹.
- فارابی، هیرو و ترابی، امید (۱۳۹۴). *مقایسه روندهای بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای دنیا*. مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۱۱(۱)، ۱۲۹-۱۶۷.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۸۸). *تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- محقق داماد، سیدمصطفی و مدنی بجستانی، سیدمجتبی (۱۴۰۲). *توافقات قراردادی در عملیات بانکی بدون ربا با توجه به نظریه ضمان پول*. آموزه های فقه ملنی، ۱۵(۲۷)، ۲۸۷-۳۱۶.
- محقق، محمدجواد (۱۳۹۰). *درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲(۲)، ۵۷-۸۰.
- محقق نیا، محمدجواد، سیل سپور، حسین و احمدی، شیما (۱۴۰۲). *طراحی شاخص عدالت در بانکداری اسلامی با رویکرد تحلیل محتوا و روش تصمیم گیری فازی*. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۲(۳)، ۲۶۶-۳۰۶.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۱). *بازاریابی شبکه ای و فعالیت شرکت های هرمی از دیدگاه فقهی - اقتصادی*. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۲)، ۳۱-۵۸.
- مطلبی هفشجانی، سمیرا و دیگران (۱۴۰۲). *علل صوری شدن قراردادهای بانکی و راهکارهای پیشگیری از آن*. مطالعات فقه اقتصادی، ۵(۳)، ۸۴-۱۶۷.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیر کبیر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). *انوار الفقاهه*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴). ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا. *اقتصاد اسلامی*، ۵(۱۹)، ۴۵-۷۰.
- موسویان، سیدعباس و میسمی، حسین (۱۳۹۳). *بانکداری اسلامی: مبانی نظری - تجارب عملی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵ق). *الرسائل*. قم: اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ق). *کتاب البيع*. قم: اسماعیلیان.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۷۴). *بررسی و ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران*. تهران: وزارت اقتصاد و دارایی.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). *فوائد الأصول*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
- ندری، کامران و دیگران (۱۴۰۰). بهینه‌سازی ساختار قراردادهای بانکی بر مبنای الگوی قراردادهای ناقص در بانکداری بدون ربا. *ایران. جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۷(۳۴)، ۳۵-۹.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*. تحقیق: مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامية. قم: دارالاسفار للطباعة و النشر و التوزيع.
- نظریور، محمدنقی و دیگران (۱۳۹۳). شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران: بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۳)، ۹۲-۶۵.
- نوابی‌مقدم، زینب و دیگران (۱۴۰۲). مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۵(۳۱)، ۱۶۹-۱۹۰.
- Creswell, J. W. & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage publications.
- Elo, S. & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.
- Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Rezaei, J. (2015). Best-worst multi-criteria decision-making method. *Omega*, 53, 49-57.
- Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. (2016). *Research methods for business students*. Pearson education.